

پیش‌خواران

درحاشیه‌انتشار خاطرات همسر آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی

یک زندگی خانوادگی که به تاریخ پیوند خورد

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات بانو قدسیه سرخه‌ای، همسر زنده‌یاد آیت‌الله محمد رضا

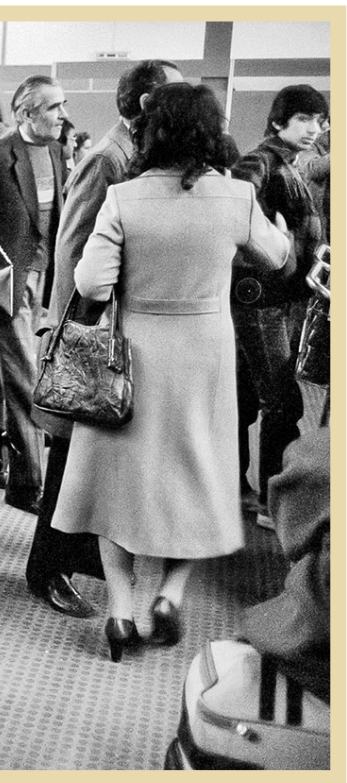
مهدوی کنی، رئیس فقید مجلس خبرگان رهبری را در بردارد. نگارش و آماده‌سازی این مجموعه را پیوند سفری بر عهده داشته و انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، آن را روانه بازار کتاب ساخته است. «از کیمیای مهر او» در صدر خویش مقدمه‌ای دارد که آن را به ترتیب می‌پد توصیف کرده است:

«زندگی انسان‌های مؤثر، همیشه جذاب و پراز نکات آموزنده است. زندگی آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی(ره) که فرازونشیب‌های زیادی نیز داشته است، از این قاعده مستثنی نیست. مردی که به جز فعالیت‌های علمی و فرهنگی اثرگذار، عرصه سیاست را هم پیموده و در نهایت در مقام علمی آرامش گرفته است و در همه این عرصه‌ها، اخلاقمدنی را به نمایش گذاشته است. در کنار این مرد اما زنی زیسته که بلد بوده چطور زندگی کند. همراهی قدسیه سرخه‌ای و محمدرضا مهدوی کنی، بستری را خلق کرده که تحمل سختی‌ها را، به ازای شیرینی بودن در کنار هم آسان نموده است. زندگی طلبگی، نگرانی‌های مسیر، مبارزه، دوری‌های ناشی از زندان و تبعید، خاطره‌های کار سیاسی، تنش حاصل از کار دانشگاهی و بیم فقدان در بیماری‌های جسمی، همه نشان از دلهره همیشگی در این



آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی رئیس فقید مجلس خبرگان رهبری

زندگی دارد که مودت و رحمت بین این زوج چهره دیگری از آنها را نمایان کرده است. شاید در این مسیر، انگیزه‌های مشترک و همدلی، بیش از همه انسروی بخش بوده‌اند. در این تصویرگری کوتاه از زندگی یک عالم دینی – که کمتر روایت می‌شود- شاهد نگاه بلند به زن و خانواده هستیم اما اگر این نبود، شرایط برای دختری کم سن و سال برای خوب زیستن و رشد و رضایت فراهم نمی‌شد اما آن سوی این داستان را نباید نادیده گرفت. زنی موشمند که برای ساختن یک زندگی با انگیزه‌های تعالی بخش، از هیچ چیز دریغ نمی‌کند و مدام به دنبال یافتن راهی است، تا از کوهچاهی تنگ و گاه تاریکی که مسیر انتخاب شده برای‌اش رقم زده، به سلامت عبور کنند و با هم حس طراوت در این زندگی موج بزنند. اوست که تدبیر می‌کند، چطور خستگی را از تن مرد بگیرد و عشق بدون تکلف را جایگزین کند و در ازای این محبت، حالا مرد است که با تعلیم گام به گام و به اندازه او، شیرینی رشد و توجه را تقدیم می‌کند. دو گانه زن – مرد، همیشه برای همه جذاب بوده و خلق زیبایی کرده است، که روایت پیش رو نیز از آن مستثنی نیست. روایتی که سعی کرده تا بدون ورود به جزئیات خسته کننده اقدامات سیاسی و علمی و حرفه‌ای، رخدادهای مهم این زندگی را در قالب روابط بین فردی، با کاوش دانشگاه خانوادگی بسا اجتماعی به تصویر بکشد. آنچه در این روایت اهمیت دارد، قباب‌های دلچسب است، که از دغدغه فردی و خانوادگی عبور کرده و به تاریخ این سرزمین گره خورده است. فردیتی که به جمع گره خورده و در فرآیندی بیش از نیم قرن، در رویدادهای جاری ایران خود را نشان داده و به همین نسبت نیز تأثیرگذار بوده است…»



مستشاران امریکایی، به مثابه نمادهایی از عقده حقارت

میهمانان ناخوانده مردم که کار گزاران وابستگی و تحقیر بودند

■ مریم صادقی‌پری

در میانه قرن بیستم، ایران میزبان «کار شناسان و مستشاران امریکایی» بود، میهمانانی پر خرج که نه تنها باری از دوش کشور بر نداشتند، بلکه خود به یکی از سنگین ترین هزینه‌های آن تبدیل شدند! آنان با عنوان کمک فنی و توسعه، حقوق‌هایی چندبرابر سایر مقامات ایرانی در ریافت می کردند، از مالیات و تعقیب قضایی معاف بودند و حتی در تصمیم‌گیری‌های داخلی نفوذ داشتند. در پس نام پرطمطراق «توسعه» و «مدرنیزاسیون»، واقعیتی تلخ نهفته بود: گروهی بیگانه که از منابع این سرزمین از تزا ق می‌کردند، بی آنکه پاسخگو باشند. مستشاران امریکایی در ایران، برای بسیاری از مردم، نماد مفتخواری قانونی و وابستگی تحقیر آمیز شدند، تجربه‌ای که سباه‌اش هنوز بر حافظه تاریخی ملت ایران سنگینی می‌کند، مقال بی‌آمده به بررسی گوشه‌ای از زیان‌های حضور آنان در بیش از سه دهه می‌پردازد، امید که برای تاریخ پژوهان مفید بوده باشد.

■ ■ ■

■ از «کمک» تا «چپاول»

با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین، روابط ایران با کشور بیگانه وارد مرحله تازه‌ای شد. در همین زمان، لوئیس دریفوس، وزیر مختار امریکا در تهران، در گزارشی به واشینگتن اعلام کرد که ایران روزبه‌روز بیشتر در پی کمک و راهنمایی ایالات متحده است و هشدار داد نباید فرصت نفوذ در ایران از دست برود.^(۱) در پی این تحولات، آرتور میلسیپو برای دومین بار در دی ۱۳۲۱، به عنوان رئیس کل دارایی با اختیارات گسترده به ایران آمد. وظیفه‌اش ظاهراً «ساماندهی مالی کشور» بود اما عملاً اختیار چک‌های دولت، بودجه و حتی پرداخت حقوق کارمندان را نیز در دست گرفت.^(۲) وزارت خارجه امریکا، رسماً ز مأموریت میلسیپو حمایت کرد. این مأموریت نقطه آغاز شکل‌گیری یک شبکه قدرتمند از مستشاران امریکایی بود که بعدها از دارایی تا ارتش، از آموزش تا بهداشت و از نفت تا کشاورزی، همه چیز را در کنترل خود گرفتند. پس از او، هیئت‌های متعددی از مستشاران اقتصادی، نظامی، بهداشتی، کشاورزی و نفتی وارد ایران شدند. مؤسسه «مشاوران ماوراء بچار» به عنوان مشاور اقتصادی، کنترل سازمان برنامه را در دست گرفت. این مستشاران در شکل‌گیری منافع و نفوذ بلندمدت امریکا در ایران، نقشی کلیدی داشتند و به تدریج به عاملی برای تداوم حضور و دخالت امریکا در امور داخلی ایران تبدیل شدند. کارشناسان وزارت خارجه امریکا در آن زمان پیش‌بینی

می کردند در آینده نزدیک، ایالات متحده از طریق شبکه‌ای گسترده از مستشاران، عملاً ایران را اداره خواهد کرد.^(۳) در سالیان پس از جنگ، اجرای طرح «صل چهار ترومن» با شعار کمک به توسعه کشورهای در حال پیشرفت، در ایران آغاز شد. هدف اعلام‌شده این طرح، آموزش، بهداشت و عمران بود اما در عمل، ایران به آزمایشگاهی برای نفوذ اقتصادی و فرهنگی امریکا تبدیل شد! میلیون‌ها دلار از بودجه کشور، صرف پروژه‌هایی می‌شد که مدیریت و اجرای آن، در اختیار شرکت‌ها و کارشناسان امریکایی بود. این «کارشناس» نه تنها طرح‌ها را هدایت می‌کردند، بلکه خود نیز از بودجه‌های کلان آن منتفع می‌شدند.

■ **پیمان دفاع مشترک یا وابستگی گسترده نظامی؟**
در سال ۱۹۵۰ میلادی، برنامه‌ای به نام «پیمان دفاع مشترک ایران و امریکا» امضا شد و گروهی از مستشاران نظامی موسوم به «ماگ»، وارد کشور شدند. در ابتدا مأموریت آنها «آموزش و تجهیز ارتش ایران» عنوان شد اما به تدریج تمام تصمیمات کلیدی نیروهای مسلح به تأیید این گروه وابسته شد. از سال ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی، هیئت ماگ در همه‌شاخه‌های ارتش ایران – از نیروی زمینی تا هوایی و دریایی – حضور داشت. وزارت امور خارجه امریکا در گزارشی در مورد اهداف این کشور در ایران، ضمن برشمردن ممانعت از استیلا ی شوروی و گرایش ایران به غرب، از قول سر لشکر جرج استوارت، مدیر کمک نظامی پنتاگون می‌گوید: «فکر می‌کنم بتوان گفت، اگر به خاطر کار ماگ و هیئت ارتش امریکا در ایجاد اعتماد به نفس ودوستی میان نیروهای مسلح ایران نبود، ایران امروز پشت پرده همین قرار داشت…»^(۴) سید امیر حسین ربیعی یکی از فرماندهان سابق نیروی هوایی، بعدها اعتراف کرد: «عوامل مستشار (مستشاری) ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم به نفع کشورشان، عاقله زیادی به بستن قراردادهای بیشتری داشتند، مثال در فرماندهی لجستیکی که فرماندهی نان و آب دری برای آنها بود، خیلی کار می‌کردند…»

به مرور، وابستگی ایران به این شبکه مستشاران چنان افزایش یافت که بدون حضور آنها حتی استفاده از تجهیزات نظامی ممکن نبود. هر قرارداد خرید اسلحه از امریکا، عملاً قراردادی برای اعزام موج تازه‌ای از مستشاران قلمداد می‌شد.

■ **«عقده حقارت» یا «سیاست توسعه»؟**

حضور امریکایی‌ها، تنها به ارتش محدود نمی‌شد. در آغاز دهه ۱۳۳۰، رد پای شرکت‌ها و کارشناسان خارجی، در کوچک‌ترین پروژه‌های شهری نیز دیده می‌شد. روزنامه اطلاعات در یادداشتی در ۲۰ خرداد ۱۳۴۱، با لحنی انتقادی نوشت: «فی‌المثل می‌توان به مهندسان مشاور سازمان برنامه در رشته شهرسازی اشاره کرد. آیا سازمان برنامه برای ساختن یک مدرسه در شیراز یا یک اصطبل در کرمانشاه یا اسفالت



۱۳۵۷. ورودگاه مهر آباد تهران، مستشاران امریکایی با خانواده خویش از ایران می‌روند

تجربه حضور مستشاران امریکایی در ایران، یکی از روشن‌ترین نمونه‌های «استعمار نوین» در قرن بیستم بود. استعمار بدون لشکر کشی اما با نفوذ در تصمیم‌سازی اقتصادی و فرهنگی، آنچه در ظاهر انتقال دانش جلوه می‌کرد، در عمل به وابستگی عمیق سیاسی و روانی منجر شد. مستشاران نه تنها فرماندهی ارتش و اداره طرح‌های اقتصادی را در دست گرفتند، بلکه ذهن بخشی از نخبگان را نیز با این باور شکل دادند: «پیشرفت بدون غرب ممکن نیست!»

حالا دیگر چه می‌کنند من نمی‌دانم. اما ارتش ما تحت نظر آنهاست، پس ما ارتش هم نداریم چه چیز ما داریم؟ ایران چه چیز دارد؟…»^(۵) این جملات ترجمان احساس تحقیر و خشمی ملی بود که سال‌ها در زیر پوست جامعه جریان داشت. مجله تهران مصور در ۲۰ مهر ۱۳۴۱، در گزارشی به دلایل ورشکستگی اقتصاد ایران پرداخته و حضور و مداخله مستشاران امریکایی در امور کشور را یکی از دلایل این پدیده خاتمان را بناد خوانده است: «بانک ملی ایران که هم‌اکنون ۳۴ سال از تأسیس آن می‌گذرد، دامام که مشاور اقتصادی امریکایی نداشت، همه ساله در ترانزاملش رقم سود ویژه هنگفتی را نشان می‌داد. این که پس از تشکیل بانک مرکزی و روزی که مشاوران امریکایی و وابستگان آنان، اداره امور اقتصادی بانک مرکزی و بانک ملی را به دست گرفتند، نتیجه‌اش بحران کنونی اقتصادی و ورشکست شدن ۱۲ هزار بازگان در چه یک تا چهار و متوقف شدن عده زیادی از عملیات اقتصادی در سرتاسر کشور است…»^(۶) در سندی از گزارشات اطلاعات داخلی ساواک از محافل

مختلف ایران، در سال ۱۳۴۱ آمده است: «مشاوران امریکایی در سازمان برنامه، عامل اصلی میلیاردها ریال حیف و میل می‌باشند…»^(۷) نیکو کدی، مورخ کارهاستینند؟ و آیا سازمان برنامه مجبور است تا پول کشور را به شرکت‌های مهندس مشاور خارجی بپردازد، تا آن را به صورت ارز از ایران خارج کنند؟…»^(۸)

چند هفته بعد، احمد نفیسی، شهردار وقت تهران طی یادداشتی هشتاد و یکمین بار برنامه مصرفی که مسئله مشاوران خارجی برای ما پیش آورده است، عقده حقارت است که با فقر معنوی که در میان ما شایع شده است، روز به روز بیشتر می‌شود. ما نمی‌دانیم دچار چه دردی در مانئ شده‌ایم. این خودمان را در برابر خارجی اینقدر حقیر می‌باییم. من متأسفم، عرض می‌کنم در چند سال اخیر، بسیاری از رجال و حتی جوانان دانشمند خودمان را دیده‌ام که خودشان را پشت سر خارجی نگاه‌داشته‌اند و از آنها به عنوان تابلو استفاده کرده‌اند. این عقده اخیراً اینقدر مدام کرده است که در شهرداری عده زیادی مرد عوام را اضافی کنند که چون فلان معبر محل گذر فلان خارجی است، باید اسفالت شود و نمی‌توسند که، چون فرزندان خردسال ما گرد و خاک می‌خورند، کوجه ما را اسفالت کنند. البته این تقاضاها بایگانی می‌شود، ولی ایرانی باید غرور خودش، یعنی غرور ملی منطقی‌اش را باز باید والا تاین وضع باشد، بازار مشاور گرم است و مایه خوبی سر گردانیم…»^(۹) این انتقادها نشانهای از خودمانی و وابستگی را به تدریج چ در لایه‌های فرهنگی و ذهنی جامعه ایرانی رشدان می‌کرد.

■ **اقتصاد ایران در دست بیگانگان**

در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۵۰ با افزایش درآمدهای نفتی، دولت پهلوی تصور می‌کرد می‌تواند با خرید انبوه سلاح و تجهیزات غربی، ایران را به قدرت منطقه‌ای بدل کند! اما این خریدها، به معنای وابستگی بیشتر بود. استفاده از این تجهیزات بدون حضور مستشاران ممکن نبود، بنابراین سیل تازه‌ای از امریکایی‌ها وارد کشور شدند. طبق گزارش سنای امریکا، شمار امریکایی‌های مقیم ایران از ۱۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۱، به بیش از ۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ رسید. بخش عمده‌ای از آنان، در صنایع نظامی، نفت، مخابرات و آموزش مستقر بودند. «جان اسمتیل» دیپلمات امریکایی، رقم ۵۴ هزار نفر را برای ژوئیه ۱۹۷۸ ذکر کرده است.^(۱۰) در همان زمان «کرستین دالانو» پژوهشگر فرانسوی، آمار ۵۵ هزار نفر را تأیید کرد.^(۱۱)

امام خمینی در یکی از سخنرانی‌های خود که در ۲۷ آبان ۱۳۵۷ ایراد شد، با اشاره به این وضعیت عنوان کردند: «فوتی به ارتش نگاه می‌کنیم، یک ارتشی است تحت فرمان مستشاران امریکا ما ارتش داریم؟ ارتشی که استقلال ندارد، خودش نمی‌تواند یک کاری را انجام بدهد، مستقل نیست در کارش…»^(۱۲) ۶۰ هزار مفت‌خور امریکایی آمده به اسسم مستشار، کارش



آرتور میلسیپو در میان برخی مقامات محلی آذربایجان

امریکایی طراحی شدند.

ترویج فرهنگ غرب به ویژه امریکا، تا حدی بود که در مدارس ملی به جای کتاب فارسی، انگلیسی و به جای شناساندن پرچم ایران، پرچم امریکا را به دانش آموزان آموزش می‌دادند! در جلسه سازمان دانشگاهیان ایران وابسته به حزب ایران نوین، این مطلب به عینه اذعان شده است: «جلسه فوق، با حضور ۲۵ نفر از اعضا تشکیل شد. ابتدا دکتر قاسمی درباره وضع مدارس ملی گفت: بعضی از مدارس ما با اینکه پایه و اساس آنها ایرانی است، ولی اصول و قواعد کشورهای بیگانه در آن تدریس می‌شود. وی اضافه کرد: دختر پنج ساله‌ای دارد که در مدرسه، از روز اول کتاب‌های انگلیسی به آنان تدریس کرده‌اند. نمونه کتاب‌ها را نیز به حاضران نشان داد که در آن کتاب‌ها بیشتر از وضع کشور امریکا نوشته بوده. در صفحه اول پرچم امریکا و نقشه امریکا قرار داشت…»^(۱۳)

در رسانه‌ها، فیلم‌های هالیوودی و برنامه‌های تلویزیونی امریکایی، به صورت انبوه پخش می‌شدند. دولت پهلوی این نفوذ فرهنگی را نشانه «پیشرفت» می‌دانست اما در واقع، این روند نوعی استحاله فرهنگی را رقم زد. نسلی تربیت می‌شد که ارزش‌ها و معیارهایش از غرب وام گرفته بود و اگر این فرآیند ادامه می‌یافت، امریکایی‌ها آینده خود را در ایران را تضمین شده می‌یافتند.

■ **خروج شتاب‌زده از ایران**

با گسترش موج انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مستشاران امریکایی که تا چند ماه قبل آموزرا اربابان بی‌ربیب می‌دانستند، ناگهان ایران را ترک کردند! در آبان ۱۳۵۷، به علت اضطراب ناشی از گسترش بی‌نظمی، وابستگان مقاطعه کاران غیر دولتی و مشاغل آزاد، شروع به خروج از کشور کردند. پس از ۱۲ آبان و آتش‌زدن چند مؤسسه امریکایی، خروج امریکایی‌ها افزایش یافت.^(۱۴) کن فالت، نویسنده امریکایی، در کتاب فرار عقاب‌ها می‌نویسد: «چند ماهی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا که تمام کنترل خودش را بر اوضاع ایران از دست داده بود، از ترس حمایت‌های ضد امریکایی مجبور شد، تا تعداد ۳۵ هزار نفر مستشار نظامی و غیر نظامی خود را تا آذر ۱۳۵۷ از ایران خارج نماید و برای تخلیه حدود ۱۲ هزار نفر امریکایی باقی مانده در تهران، خواب به چشم خود راه ندهد…»^(۱۵)

■ **کلام آخر**

تجربه حضور مستشاران امریکایی در ایران، یکی از روشن‌ترین نمونه‌های «استعمار نوین» در قرن بیستم بود. استعمار بدون لشکر کشی اما با نفوذ در تصمیم‌سازی اقتصادی و فرهنگی، آنچه در ظاهر همکاری و انتقال دانش جلوه می‌کرد، در عمل به وابستگی عمیق سیاسی و روانی منجر شد. مستشاران، نه تنها فرماندهی ارتش و اداره طرح‌های اقتصادی را در دست گرفتند، بلکه ذهن بخشی از نخبگان را نیز با این باور شکل دادند که: «پیشرفت بدون غرب ممکن نیست!» اما در پس این چهره‌فریبنده توسعه، واقعیتی تلخ نهفته بود: تحقیر ملی، خوار شدن سرمایه و حذف متخصصان ایران از صحنه تصمیم‌گیری. ایران در حالی میلیاردها دلار صرف قراردادها ی خارجی می‌کرد که کارشناسان داخلی نادیده گرفته می‌شدند و اعتماد به نفس مستشاران را در دست گرفتند، با وقوع انقلاب اسلامی، این ساختار وابسته فرو ریخت، اما زخم‌های آن همچنان در حافظه تاریخی ملت ایران باقی است. بازخوانی آن دوران تنها یادآوری گذشته نیست، هشدار است برای امروز و فردا که هیچ توسعه‌ای بدون استقلال و تکیه بر توان ملی پایدار نخواهد بود. چیزی که تا هم اینک، بخشی را به اصطلاح نخبگان کشور، از درک آن ناتوان می‌نمایند.

■ **منابع:**

- ۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی* (۱۳۵۷ – ۱۳۰۰)، تهران: البرز، ۱۳۷۴ ش، ص ۸۷.
- ۲- آرتور میلسیپو، *امریکایی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۷۰ ش، صص ۷۳-۷۷.
- ۳- لوئیس فاولست، *ایران و جنگ سرد*، ترجمه کاوه بیات، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰۰.
- ۴- تامس ریکس، *هیئت‌های نظامی ایالات متحده در ایران ۱۹۷۸ – ۱۹۴۴*، ترجمه فرهاد ساسانی، *مطالعات تاریخی*، ۱۳۸۶ ش، شماره ۶۹، ص ۱۴۵.
- ۵- *روزنامه اطلاعات*، ۲۰ خرداد ۱۳۴۱.
- ۶- *روزنامه اطلاعات*، ۱۰ تیر ۱۳۴۱، ص ۲.
- ۷- جان دی. اسمتیل، *درون انقلاب ایران*، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، صص ۲۰۹ و ۲۰۲.
- ۸- کرستین دالانو، *ساواک*، ترجمه عبدالحسین نیک‌بهر، تهران: طرح نو، ۱۳۷۰، ص ۳۰.
- ۹- اداره عقیدتی- سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، *دفتر سیاسی «امام‌وارتش جمهوری اسلامی ایران»*، تهران: چاپخانه ارتش، ۱۳۶۵، ص ۲۶.
- ۱۰- تهران مصور، ۲۰ مهر ۱۳۴۱.

- ۱۱- زینب ابحائی، *مستشاران امریکایی در ایران به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۹.
- ۱۲- نیکو کدی، *ریشه‌های انقلاب اسلامی*، ترجمه عبدالحجیم گواهی، تهران: نشر علم، ۲۰۰۲، ص ۱۳۹۰، صص ۲۵۴-۲۵۳.
- ۱۳- شاپور آذر برزین، *فرماندهی و نافرمانی*، به کوشش حسین دهباشی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
- ۱۴- حسین صفری، *انقلاب اسلامی در فرسنجان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۱۵- زین‌دربار عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، فرخ و پارسی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۳۲.
- ۱۶- زینب ابحائی، *پیشین*، صص ۱۱۱-۱۱۰.
- ۱۷- کن فالت، *فرار عقاب‌ها*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۷۲.